

انگلیسی در سفر (۱)



فصل اول

At the Airport

قسمت دوم

www.sayraelt.ir

Instagram:

[@sayraelt.ir](https://www.instagram.com/sayraelt.ir)

[@sayra.lyrics](https://www.instagram.com/sayra.lyrics)

World List

- **airfare (noun) the cost of the plane ticket**

بلیط هواپیما

Example: Because he works for the airline, Clifford gets a big discount on airfare costs.

مثال: کلیفورد از آنجا که برای شرکت هواپیمایی کار می کند ، تخفیف بزرگی در هزینه های بلیط هواپیما دریافت می کند.

- **airline (noun) the company that owns the plane**

شرکت هواپیمایی

Example: What airline are you flying with today? I'm flying with American Airlines.

مثال: امروز با چه خط هوایی پرواز می کنید؟ من با خطوط هوایی آمریکا پرواز می کنم

arrival / arrivals (noun) the time planes arrive at the airport

پروازهای ورودی به فرودگاه

Example: Can you tell me where an arrival is, please? Certainly, this is departures, so you need to go downstairs for arrivals.

مثال: میشه لطفاً بگید محل پرواز های ورودی کجاست؟ مطمئناً اینجا پرواز های خروجی است ، بنابراین برای ورودی باید به طبقه پایین بروید.

baggage / luggage (noun) bags or suitcases

چمدان

Example: we dropped our luggage off at the hotel and went sightseeing.

مثال: ما چمدان های خود را در هتل رها کردیم و به گشت و گذار رفتیم

baggage claim (noun) the place where passengers pick up their bags after the plane lands
تسمه نقاله یا نوار حامل چمدان در فرودگاه

Example: Did you go to the right baggage claim area for your baggage? مثال: آیا برای

چمدان خود به منطقه مناسب تحویل بار رفته اید؟

board (verb) when the passengers get on the plane

سوار هواپیما و شدن □

Example: Will passengers waiting to board please go to the ticket counter?

boarding pass (noun) a ticket that gives you permission to board the plane; some airlines allow you to use a boarding pass on your cell phone.

کارت پرواز

A boarding pass usually has your name, flight number, and departure date and time.

Example: please check in here and get your boarding pass.

boarding time (noun) the time that passengers are allowed to get on the plane.

زمان ورود مسافران به هواپیما

Example: I think we'd better get moving, its only five minutes to boarding time.

مثال: من فکر می کنم بهتر است حرکت کنیم ، تنها پنج دقیقه تا زمان سوار شدن باقی مانده است.

carry-on / hand luggage / cabin baggage (noun) bags that passengers bring on the plane (called "carry-on" in North America)

- کیف کوچکی که مسافران همراه خود به هواپیما می آورند .

Example: All carry-on baggage must be stored under your seat or in the overhead compartments.

مثال: تمام چمدان های دستی باید در زیر صندلی شما یا در قسمت های بالای سر گذاشته شود.

Example: There is a five-kilo limit on hand baggage.

مثال: برای بارهای دستی محدودیت پنج کیلویی وجود دارد.

- **customs (noun)** the place in the airport where bags are checked before you are allowed to enter a country

عوارض گمرکی در فرودگاه مقصد

Example: It took us ages to get through customs when we got back from Italy.

مثال: وقتی از ایتالیا برگشتیم، زمان زیادی از ما برای عبور کردن از گمرک گرفته شد.

- **departure time / departures (noun)** the time planes leave the airport

حرکت و پرواز از فرودگاه مقصد

Example: we must arrive at the airport an hour before departure time.

مثال: باید یک ساعت قبل از ساعت حرکت (پرواز) به فرودگاه برسیم.

- **e-ticket (noun)** airfare purchased on the Internet

Example: The new e-ticket option allows you to print tickets at home.

مثال: قابلیت جدید بلیط الکترونیکی به شما امکان می دهد بلیط ها را در خانه چاپ کنید

- **fragile (adjective) something that is easily broken (sometimes passengers pack fragile items in their bags)**

شکسته, شکستنی

Example: Some of the more fragile items are kept in a locked case.

مثال: برخی از اقلام شکننده تر در یک جعبه قفل شده نگهداری می شوند

- **delay (noun) the amount of time the plane is late for landing or takeoff (a two-hour delay means the plane will arrive two hours later than planned)**

تاخیر

Example: Both airlines face possible flight delays because the bad weather.

مثال: هر دو خطوط هوایی به دلیل بدی هوا با تاخیرهای احتمالی پرواز مواجه می شوند

- **domestic (adjective) within the same country (a domestic flight)**

پرواز داخلی

مثال: وقتی از ایتالیا برگشتیم، زمان زیادی از ما برای عبور کردن از گمرک گرفته شد.

- **departure time / departures (noun) the time planes leave the airport**

حرکت و پرواز از فرودگاه مقصد

Example: we must arrive at the airport an hour before departure time.

مثال: باید یک ساعت قبل از ساعت حرکت (پرواز) به فرودگاه برسیم.

- **e-ticket (noun) airfare purchased on the Internet**

بلیط اینترنتی

Example: The new e-ticket option allows you to print tickets at home.

مثال: قابلیت جدید بلیط الکترونیکی به شما امکان می دهد بلیط ها را در خانه چاپ کنید.

- **fragile (adjective) something that is easily broken (sometimes passengers pack fragile items in their bags)**

• شکننده ,شکستنی

Example: Some of the more fragile items are kept in a locked case.

مثال: برخی از اقلام شکننده تر در یک جعبه قفل شده نگهداری می شوند.

- **delay (noun) the amount of time the plane is late for landing or takeoff (a two-hour delay means the plane will arrive two hours later than planned)**

تاخیر

Example: Both airlines face possible flight delays because the bad weather.

مثال: هر دو خطوط هوایی به دلیل بدی هوا با تاخیرهای احتمالی پرواز مواجه می شوند.

- **domestic (adjective) within the same country (a domestic flight)**

پرواز داخلی

overbooked (adjective) the airline sold too many tickets; there are more passengers than seats

□ بیش از ظرفیت بلیط فروختن

Example: The airline had overbooked and we were told we would have to take the next flight.

. مثال: رزرو هواپیمایی بیش از حد بود و به ما گفته شد که باید پرواز بعدی را انجام دهیم

passport (noun) an official document that proves a person's citizenship.

گذرنامه

Example: My passport is valid for another two years.

. مثال: پاسپورت من دو سال دیگر اعتبار دارد

runway (noun) a strip of smooth ground where an airplane takes off and lands

باند فرودگاه

Example: The runway lights guide the plane in to land.

. مثال: چراغ های باند، هواپیما را برای فرود هدایت می کند

aisle (noun) the empty walkway between rows of seats on the plane

راهرو

Example: Every thirty minutes the flight attendant would wheel the drinks trolley down the aisle.

. مثال: هر سی دقیقه مهماندار چرخ دستی نوشیدنی ها را در راهرو می چرخاند.

aisle seat (noun) a seat by the aisle

صندلی کنار راهرو هواپیما

Example: I always ask for an aisle seat when I fly.

. مثال: هنگام پرواز من همیشه درخواست صندلی در راهرو را می کنم

- **Conveyor Belt (noun): a machine used to move baggage around.**

تسمه نقاله یا نوار حامل چمدان در فرودگاه

Example: we lifted our baggage from the conveyor belt.

. مثال: ما چمدان خود را از نوار حامل چمدان برداشتیم

- **Terminal (noun): a building within an airport where passengers go to depart on a flight.**

پایانه مسافری

- **Example: Terminal 3 is used mostly for domestic flights.**

. مثال: ترمینال 3 بیشتر برای پروازهای داخلی استفاده می شود



سائرا یک اپلیکیشن آموزش زبان انگلیسی در بستر اندروید است که شما می توانید زبان انگلیسی را با استفاده از آن در قالب تمرین های استاندارد تعاملی، چند مهارتی و هوشمند فرا بگیرید.

از مولفه های اصلی سائرا، استفاده از روش CLT، محتوای تولید شده ی بومی و استاندارد، ارائه دروس روزانه رایگان، لیگ کاربران،

آنالیز آموزش و یادگیری، استفاده از گیمیفیکیشن، مشاوره ی سیستمی و استفاده از زبان فارسی به عنوان راهنمای یادگیری می باشد.

شما می توانید اپلیکیشن سائرا را از وبسایت ما یا بازار و مایکت به سادگی دریافت نمایید و وارد دنیای جدید زبان آموزی شوید.

همچنین می توانید با دنبال کردن صفحات ما در اینستاگرام و آپارات

از ویدئو های آموزشی ما استفاده نمایید.

@Sayraelt.ir @sayralyrics

www.aparat.com/sayraelt_official



در صورت بروز هر گونه مشکل با شماره ی ۰۹۱۱۴۲۵۰۲۸۵ تماس حاصل فرمایید.